

شکرگزاری در قرآن و یاسین

آمنه شاهنده*

چکیده

از آنجا که شکر و سپاسگزاری به انگیزه افراد در انجام خدمات صحیح و ارائه راهکارهای بهتر یاری رساننده و روح و روان افراد را شاد و پر طراوت می کند لذا این امر همیشه مورد تاکید دین مبین اسلام و کلیه پیشوایان دینی بوده است .

تقدیر و تشکر یکی از عالی ترین عوامل سازنده روح انسانی است . آغاز چنین معرفت و عملی ، ابتدا تکامل و پیشرفت انسان و ایجاد یک نوع ارتباط معقول و منطقی میان خالق و معبود جهان هستی و همنوعان خویش است ، که در راه نیل به چنین مقام والا ، نخستین معرفتی که نصیب انسان می شود سهم او از فیاض کائنات هستی و مخلوقات جهان است که در نتیجه آن جایگاه و موقعیت خود را در این سرای فانی یافته و لذا به یافتن اراده آهنین جهت شکر و سپاسگزاری در مقابل منعم هستی تامل می شود و در قبال چنین شکرگزاری نیز طرف خالق هستی ، موهبت های مادی و معنوی فراخور حال و شرایط خود دریافت می دارد .

در این مقاله در صدد تبیین راهکارهایی جهت انجام چنین عمل خداپسندانه و استفاده بهتر از این موهبت الهی هستیم .
کلید واژه ها : شکر ، تشکر ، تکامل ، سپاسگزاری ، منعم ، خالق .

شکر در قرآن و منابع اسلامی

شکرگزاری به درگاه الهی از مهمترین خصوصیات انسان است . گرچه نعمت ها و فضل پروردگار قابل احصاء نیست ، اما همین معرفت و شناخت که بشر بداند از شکر الهی عاجز است مقدمه ای بر تبلور این فرهنگ در وجود او خواهد بود .

حمد و ثنا در برابر نعمت و بخشش را شکر گویند . چنانچه قرآن درباره حضرت ابراهیم (ع) می فرماید : «شَاكِرًا لِّأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (النحل، ۱۶/۱۲۱) ؛ «چون [حضرت ابراهیم (ع)] نسبت به نعمت های الهی شکرگزار بود و در این راه ایستادگی کرد و از مشرکان اعراض نمود ، خداوند وی را به عنوان رسول خویش برگزید و به راه راست هدایت کرد» .
شکر مراتب و درجاتی دارد ، تشکر به قلب و اعماق روح و روان و تذکر به آنچه اعطاء شده است ، جاری ساختن بر زبان و ثناگویی منعم ، بروز شکر بر جوارح و اعضاء به نحوی که انسان در حد توان بتواند از قوای خود در جهت مصالح و اموری که رضایت الهی در آن نهفته است اقدام نماید .

در منابع اسلامی شکر را این گونه معرفی کرده اند : ثناگویی و سپاسگزاری بر زبان آوردن الفاظ نیست که بر سبیل تکرار و به منظور ساقط شدن بار تکلیف ادا گردد . بلکه شکر گویی مرحله ای بالاتر و رتبه ای ژرف تر دارد . انسان شاکر در فیض هستی و سرچشمه رحمت و نعمت الهی تفکر می کند و از رهگذر این اندیشه به باوری می رسد که رشته هستی او را به طور عملی و عینی به بارگاه پروردگار ربط می دهد چنین تفکر و باوری موجب می شود که انسان حتی لحظه ای از عمر خود را تباه نسازد و اوقات گران بهای خویش را به عبث نگذراند و از تلاش در جهت تزکیه و سبقت در تحصیل خیرات و کمالات دست بر ندارد و برای نیل به مکارم و فضایل اهتمام ورزد .

روایت شده که خداوند به حضرت موسی (ع) وحی فرستاد که : «ای موسی حق شکر

مرا به جای آر»، عرض کرد: «پروردگارا چگونه شکر کنم تو را که حق شکر تو باشد در حالی که هیچ شکری نیست که به آن ترا شکر کنم، مگر آنکه همان شکر هم نعمتی است که تو به من ارزانی داشتی»، فرمود: «ای موسی اکنون حق شکر مرا ادا کردی که دانستی آن هم از من است»^۱.

قرآن کریم تشکر از خدا را قرین با ذکر پروردگار می داند و می فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (البقرة، ۱۵۲/۲)، منظور از شکر استفاده کردن هر نعمتی به جای خود و در راه همان است که برای آن آفریده شده. معنای دیگر شکر که از آیه: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا» (سبأ، ۱۳/۳۴)، مستفاد می شود این است که شکر بیشتر عمل انسان را در بر می گیرد گرچه یکی از اقسام شکر عمل به جوارح است. اما باید تلاش کرد تا با بهره گیری صحیح از نعمت های داده شده شکر آن را در عمل به جا آوریم که اقل مراتب شکر است. به عبارتی دیگر می توان بیان داشت که شکر آن است که انسان همیشه و در همه حال بدون فراموشی به یاد خدا باشد و بدون انجام گناه به دستورات الهی گردن نهد.

شکر از دیدگاه معصومین(ع)

وظیفه شکرگزاری نعمتی است که بزرگان دین در جهت کسب آن کوشیده اند و خویش را بدان آراسته اند. از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) در شبی که نزد عایشه بود در پیشگاه الهی سر تواضع فرود آورده و به عبادت و دعا مشغول شد، عایشه که این حالت را از پیامبر خدا(ص) دید به او گفت: یا رسول الله چرا خود را به زحمت می اندازی با این که خداوند تو را آمرزیده است نسبت به گذشته و آنچه آینده خواهی داشت. آن حضرت فرمود: «ای عایشه نباید بنده شاکری باشم؟»^۲.

توفیقی که انسان به گاه شکر و عبادت به درگاه حق به دست می آورد نعمتی است ارزنده که خداوند او را بدان مفتخر نموده و لازم است به پاس این شکرگزاری به شکری دیگر پردازد. حضرت علی(ع) در موارد متعددی به اهمیت شکر و فضیلت آن اشاره کرده و می فرماید: «حمد و سپاس سزای خداوندی است که حمد را به نعمت ها و نعمت ها را به شکر پیوند زده و به ازاء نعمت ها حمد را واجب کرده و شکر را سبب فراوانی آنها قرار داده،

بر نعمت هایش او را حمد می‌کنیم چنان که بر بلایش سپاسگزاریم»^۳.

نعمت های الهی افزون بر شکر و حمد انسان هاست و یادآوری این مطلب که بشر از سپاسگزاری الطاف بی حد الهی عاجز است نزول نعمت از جانب پروردگار را بیشتر نموده و زمینه این امر را تحقق می‌بخشد. با این حال اگر انسان از دید خویش پنداشت کمتر از نعمت ها بهره مند شده و به بلایا و سختی ها گرفتار آمده وظیفه دارد به سپاسگزاری آفریدگار جهان پردازد. و این نکته ای است که حضرت علی (ع) بدان اشاره فرموده است: «ای مردم: زهد؛ دل نبستن به دنیا، کم کردن آرزوها و شکرگزاری نعمت ها [ای خداوندی] و دوری از حرام هاست. پس اگر به این سه چیز دست نیافتید [نتوانستید هر سه را انجام دهید]، دوتای از آنها را ترک ننمایید، [اول] حرام بر شکیبایی و صبر شما غالب نشود و [دوم] شکرگزاری از نعمت ها را فراموش نکنید»^۴. شکر به هنگام برخورداری از نعمت ها و یادآوری عظمت و ارزش آنها اعم از مادی و معنوی موجبات تقرب به درگاه الهی و قرار گرفتن در بستر پرستش حق است که نهایت هدف جهان خلقت می باشد.

صفوان جمال می گوید: امام صادق (ع) به من فرمودند: «خدا هر نعمتی که به بنده ای دهد کوچک یا بزرگ و او بگوید: «الحمد لله» شکرش را به جا آورده». و باز فرمود: «خدا هر نعمتی به بنده اش دهد که آن را از دل بفهمد شکرش را ادا کرده است»^۵.

تشکر از واسطه های نعمت

از نشانه های ایمان در مرتبه اول سپاسگزاری و شکر نسبت به خداوند است که مظهر لطف و بخشش بوده و با نعمت های فراوان مخلوقاتش را به بندگی و اطاعت از خویش فرمان داده است. در مرتبه دوم تشکر از کسانی که راه رسیدن به نعمات الهی را هموار نموده و واسطه این فیض شده اند، وظیفه ای است که مورد سفارش خدا و اولیاء دین می باشد. در روایت است که: «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق؛ هر کس در مقابل احسان و نیکی بندگان خداوند شکرگزاری نکند خدا را شکر نگفته است»^۶. بنابراین اگر در جامعه روحیه تشکر و قدردانی از انسان های خیر، مبتکر و خلاق از بین برود، گرایش به فعالیت های مثبت و سازنده کم رنگ شده و دل سردی و خمودگی جای آن را خواهد گرفت.

از آنجایی که تشکر و تشویق به انگیزش افراد در ارائه خدمات بهتر و مطلوبتر کمک می‌کند و روح و روان آنها را شاد و بانشاط می‌گرداند، این امر همیشه مورد تأکید اسلام و پیشوایان دینی بوده است. در روایت است که: «خداوند به یکی از بندگانش در روز قیامت فرمان می‌دهد به آتش، آن بنده گوید پروردگارا مرا امر می‌کنی که به آتش بروم در حالی که من قرآن تلاوت نمودم، خطاب می‌رسد، آری قرآن خواندی ولی نعمت مرا که به تو داده بودم شکر نکردی. بنده می‌گوید: خدایا هر نعمتی که دادی من شکر آن را به جا آوردم. آنگاه نعمت‌ها را بر می‌شمارد و بیان می‌کند که شکر آنها را انجام دادم. خطاب می‌رسد. بنده من راست می‌گویی ولیکن تو شکر کسی که نعمت مرا به تو رسانید انجام ندادی و من تعهد کردم برخودم که نپذیرم شکر بندگان خودم را در مقابل نعمت‌هایی که به او دادم مگر آن که شکر کند بنده ای را که به او نعمت مرا رسانیده است».^۷

علامه جعفری می‌فرماید: شکر و سپاس، یکی از عالی‌ترین عوامل سازنده روح انسانی است. آغاز چنین معرفت و عمل، آغاز تکامل انسانی و برقراری یک ارتباط معقول میان او و جهان هستی و هم‌نوعان خویش می‌باشد. در راه وصول به چنین مقام والا، نخستین معرفتی که نصیب انسان می‌گردد، این است که اولاً می‌فهمد که به هیچ وجه از خلاق هستی و فیض بخش کائنات، طلبکار نیست که در نتیجه آن چه را که در این زندگانی به دست می‌آورد، یک ضرورتی باشد که خداوند مجبور است آن را به مخلوقات خود بدهد؟ تنها چنین معرفت است که فیض بودن هستی را برای انسان قابل درک می‌سازد. یک نتیجه بسیار با اهمیت که از این درک حاصل می‌شود طراوت و انبساط و سرور درونی است که با غوطه‌ور شدن در مصائب و ناگواری‌های حیات طبیعی هرگز مختل نمی‌گردد... هر نعمتی شایسته شکری است که برای برآمدن از عهده حق آن نعمت بایستی آن را به جای آورد و خود این توجه و آگاهی تدریجاً می‌تواند اراده شکرگزاری را تحریک نموده و این کمال را نصیب انسان سازد.^۸

فواید و ثمرات شکرگزاری

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي

لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷/۱۴)، از اثرات قابل توجه شکر فزونی نعمت است و از اثرات کفر نعمت، عذاب پروردگار می باشد. با دقت در آیه فوق درمی یابیم که خداوند در برابر نعمت هایش نیازی به شکر ما ندارد گرچه دستور به شکرگزاری داده و این کار موجب نعمت دیگری بر ما می شود، مهم این است که ببینیم حقیقت شکر چیست و بخشنده نعمت کیست؟ که این توجه و آگاهی قدم اول شکر و ثنا با زبان مرحله بعدی و از هر دو بالاتر اقدام و شکر عملی است. افزایش نعمت های خداوند که به شکرگزاران وعده داده شده تنها به نعمت های مادی منحصر نمی باشد. بلکه نفس شکرگزاری توأم با توجه خاص به خداوند و عشق به ساحت مقدس ربوبی است که خود نعمتی بزرگ می باشد که موجب تربیت نفس و هدایت به مسیر حق می گردد.

در روایت است که حضرت رضاع^(ع) فرمود: «پرهیزید خدا را و بر شما باد تواضع و شکر و حمد خدا، به درستی که در بنی اسرائیل مردی بود که شبی در خواب دید کسی که گفت: نصف عمرت در وسعت رزق و روزی هستی، انتخاب کن نصف اول عمر باشد یا نصف آخر، مرد گفت: صبر کن تا با شریک زندگیم - همسرم - مشورت کنم و بعد پاسخ گویم. صبح که از خواب بیدار شد به همسرش گفت: دیشب مردی به من خبر داد که نصف عمرت در رفاه خواهی بود و مخیری انتخاب کنی که نصف اول باشد یا نصف آخر و من مهلت خواستم تا با تو مشورت کنم. حال تو انتخاب کن. همسرش گفت: نصف اول را انتخاب می کنیم. مرد پذیرفت و آنگاه دنیا به او روی آورد و هر چه نعمت بر او بیشتر می رسید همسرش می گفت به فلان همسایه و فلان فامیل که محتاج اند کمک کن و این روش آنها بود هر وقت خداوند نعمتی به آنها می داد صدقه می دادند، شکر می کردند و بخشش می نمودند تا این که شبی در خواب دید که به او گفتند نصف عمرت که باید در رفاه باشی تمام شد. مرد گفت صبر کن با همسرم مشورت کنم صبح به همسرش گفت: دیشب مرا خبر دادند که نصف عمرت که باید در رفاه باشی تمام شده است. همسرش گفت: خداوند به ما نعمت داد و ما شکر کردیم و خدا وعده داد، که اگر شکر نعمت کنید، نعمت شما زیاد می شود و او اولی به وفاء است پس شب به مرد خبر دادند که گفته همسرت درست است و نصف دیگر عمرت را نیز در رفاه خواهی بود. زیرا که شکر نعمت کردی»^۹.

حضرت علی (ع) می فرماید: «محققاً خدای تعالی را در هر نعمتی حق سپاس است، پس هر که به جا آورد خداوند از آن نعمت بر او فراوان دهد و هر که در به جا آوردن آن حق کوتاهی کند خدا آن نعمت را در خطر نابودی و دور شدن اندازد». ۱۰

شکر در دعا: شکر در قبال نعمات مادی و معنوی که خداوند به ما ارزانی داشته تنها به زبان خلاصه نمی گردد. رسیدن به مقام شاکرین و قرار گرفتن در این جایگاه از آن افرادی است که دائماً در محضر الهی خویش را سنجیده و به عجز و ناتوانی در مقابل این همه نعمت اعتراف کرده اند.

امام سجاد (ع) که به عالی ترین مراتب شکر و سپاسگزاری نائل گشته در مناجات الشاکرین می فرماید: «ای خدا نعمت های پی در پی تو مرا از انجام وظیفه شکرگزاری غافل کرد و... عجز و ناتوانی مقام کسی است که به نعمت های فراوان تو اعتراف کرده و با تقصیر در ادای شکر آنها روبروست». شکر در مقابل نعمت های پروردگار نصیب افرادی می گردد که به قرب پروردگار رسیده و در انجام فرامین او کوشیده اند. و در پی رضایت او بوده اند.

آثار شکرگزاری بنده

شکر به معنای قدردانی و قدرشناسی و تشکر از نعمت دهنده است. از آنجا که نعمت ها همه از خداست شکر حقیقی هم باید از خدا صورت پذیرد. اگر ایمان را دو شاخه کنیم یک شاخه آن صبر و دیگر شاخه آن شکر است. صبر نشانگر زیبایی برخورد مؤمن با بلاها و گرفتاری ها است و شکر زیبایی برخورد مؤمن با نعمت هاست. مگر جز این است که شکر و سپاس از ولی نعمت حقیقی همچون هر نعمت دهنده دیگر وظیفه وجدانی و اخلاقی هر انسانی است؟ امام صادق (ع) می فرماید: «در تورات نوشته است کسی که به تو نعمت داد، سپاسش گزار و کسی را که از تو سپاس گزاری کرد، نعمتش ده، زیرا با سپاس گزاری نعمت ها نابود نگردهد و با ناسپاسی پایدار نماند، سپاس گزاری مایه افزایش نعمت و بیمه کننده و ایمن ساز نعمت از دگرگونی است»^{۱۱}. در هنگام مشاهده انسانی که از نعمتی محروم است ولی شما آن محرومیت را ندارید بگویید: «بار خدایا من تمسخر نمی کنم و بر خود نمی بالم بلکه تو را برای نعمت های بزرگت نسبت

به خود می ستایم»^{۱۲}. سپاس از منعم، وظیفه ای وجدانی است که شرع بر آن تاکید فراوان دارد. شکر، نگهبان و حافظ نعمت مؤمن است. این که دیده می شود نعمت انسان های ناسپاس نیز گاهی برقرار است به بیان قرآن کریم برای استدراج است، یعنی: نعمت وسیله ای برای دورتر شدن او از خدا می گردد. شخصی که به مفهوم استدراج در قرآن توجه کرده بود، آنجا که خداوند می فرماید: «ما توبه و استغفار را از یاد آنها می بریم» (الأعراف، ۱۸۲/۷)، نزد امام صادق (ع) آمده، عرض می کند: من از خدای عزوجل مال خواستم به من روزی کرد، فرزند خواستم به من عطا فرمود، منزل خواستم نصیبم کرد، می ترسم این استدراج باشد که خدا نعمتی دهد و توبه و استغفار را از یاد ما ببرد، حضرت می فرماید: «به خدا قسم با حمد و سپاس خدا، استدراج تحقق نمی یابد».^{۱۳}

شکرگزاری در همه حال

انسان بایستی در همه حالات و شرایط در مقابل تمامی نعمات خداوندی شکرگزار باشد، در احادیث معصومین (ع) نسبت به موارد خاصی تاکید بیشتر شده است. ذیلاً به پاره ای از آن موارد اشاره می شود:

امام صادق (ع) می فرماید: «قال رسول الله (ص): المعافی الشاکر له من الأجر ما للمبتلی الصابر، و المعطى الشاکر له من الأجر كالمحروم القانع؛ شخص تندرست و شکرگزار، أجرش همچون پاداش شخص گرفتاری است که برای خدا صبر پیشه سازد. عطا بخش شکرگزار، أجرش همچون شخصی است که از نعمت محروم است و در محرومیت قناعت می کند».^{۱۴}

امام باقر (ع) نیز می فرماید: «تقول ثلاث مرات إذا نظرت إلى المبتلى من غير أن تسمعه: الحمد لله الذى عافنى مما ابتلاك به، و لو شاء، فعل؛ قال: من قال ذلك لم يصبه ذلك البلاء أبداً؛ چون شخص گرفتار و دردمندی را دیدی، به نحوی که او نشنود سه بار بگو: حمد خدایی را که مرا از آنچه تو را مبتلا ساخته معاف نمود، هر کس این را بگوید آن بلا به او نمی رسد».^{۱۵}

سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و دیگر ائمه معصومین (ع) بر این بوده است که در هنگام

یادآوری نعمت، با سجده بر خاک، شکر خداوند را به جای می‌آوردند. نوع دیگر شکر، تشکر از مردم است، اگر شکر را وظیفه‌ای وجدانی تلقی کنیم، تشکر از مردمی که به ما خدمتی کرده‌اند یا واسطه نعمتی شده‌اند نیز شکر است و در کلام معصوم^(ع) تشکر از دیگر انسان‌ها تشکر از خدا تلقی شده است و کسی را که در این امر ناتوان باشد، شکرگزار خدا نیز ندانسته‌اند. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «إذا ذكر أحدكم نعمة الله عزوجل فليضع خده على التراب شكراً لله، فإن كان ركباً فليضع خده على التراب وإن لم يكن يقدر على النزول للشهرة فليضع خده على قبروسه وإن لم يقدر فليضع خده على كفه ثم ليحمد الله على ما أنعم الله عليه؛ هنگامی که نعمتی را به یاد آوردی برای شکر خدا چهره روی خاک بگذار، اگر سواری، پیاده شو و اگر از بیم شهرت و ریانتوانی پیاده شوی روی کوه زین سجده کن، و باز اگر نتوانی بر کف دست سجده نما». ۱۶

امام سجاده^(ع) می‌فرماید: «إن الله يحب كل قلب حزين و يحب كل عبد شكور، يقول الله تبارك و تعالی لعبد من عبده يوم القيامة أشكرت فلاناً؟ فيقول: بل شكرتك يارب، فيقول: لم تشكرني إذ لم تشكره، ثم قال: أشكركم لله أشكركم للناس؛ در روز قیامت خداوند به کسانی که از مردم تشکر نکرده‌اند می‌فرماید: شما شکرگزار من نبوده‌اید، شکرگزارترین شما نسبت به خدا کسی است که از مردم بیشتر تشکر کند». ۱۷

شکر در کلام معصومین^(ع)

شکرگزاری به شکل‌های گوناگون مطرح گردیده است که در تناسب با ایمان - زبانی، قلبی و جوارحی - شکر نیز به انواع شکر زبانی، شکر قلبی و شکر رفتاری تقسیم شده است.

۱- شکر زبانی: امام صادق^(ع) می‌فرماید: «تمام الشكر قول الرجل: الحمد لله رب العالمين؛ تمام شکر گفتن همین جمله است: الحمد لله رب العالمين»^{۱۸}. و نیز می‌فرماید: «شكر كل نعمة - و إن عظمت - أن تحمد الله عزوجل عليها؛ شکر هر نعمتی هر چند بزرگ باشد این است که خداوند عزوجل را بر آن حمد و سپاس گویی». ۱۹

امام سجاده^(ع) می‌فرماید: «در روز قیامت خداوند به کسانی که از مردم تشکر

نکرده اند می فرماید: شما شکرگزار من نبوده اید».

۲- شکر قلبی: امام صادق (ع) می فرماید: «من أنعم الله عليه بنعمة فعرفها بقلبه، فقد أذى شکرها؛ خدا به هر کس نعمتی دهد و او آن را از ته دل بفهمد شکرش را ادا کرده است». ۲۰
از آنچه خداوند به موسی وحی فرستاد این بود که فرمود: «ای موسی چنان که سزاوار است مرا شکرگزار. موسی عرض کرد: پروردگارا چگونه می توانم تو را آن گونه که سزاوار است شکرگزارم در صورتی که هر شکری که تو را نمایم، آن هم نعمتی است که تو به من عطا فرموده ای؟ خداوند فرمود: یا موسی آشکرنی حقّ شکری فقال: یا ربّ و کیف آشکرک حقّ شکرک و لیس من شکر آشکرک به إلا و أنت أنعمت به علیّ؟ قال: یا موسی الآن شکرتنی حین علمت أنّ ذلک منّی؛ ای موسی، اکنون که دانستی، آن شکرگزاری ات نیز از من است، مرا چنان که سزاوار است شکر کرده ای». ۲۱

۳- شکر رفتاری: الف: دوری از محرمات: شکر عملی، استفاده صحیح از نعمت است و همین استفاده صحیح نشانه صداقت فرد در ایمان اوست. به کار نگرفتن استعدادها و نعمت های خدادادی در راه صحیح، کفران نعمت محسوب می شود که شاخه ای از کفر است. امام صادق (ع) می فرماید: «شکر نعمت همان دوری از محرمات است». ب: انجام تکلیف: امام صادق (ع) در بیان حد شکر می فرماید: «حد شکر این است که اگر برای خدا در نعمتی که به تو داده حقّی باشد آن حق را بپردازی».

مفهوم شکر و شکرگزاری

شکر و سپاس به عنوان فضیلتی اخلاقی مورد تأیید و تأکید عقل و عقلا است. هر انسانی به حکم عقل به این نتیجه می رسد که می بایست در برابر افرادی که به گونه ای کاری و یا نعمتی را به وی می دهند شکر کند. در هنجارشناسی نیز که در حوزه علوم روانشناسی از آن بحث و بررسی می شود، سپاسگزاری به عنوان عملی مفید و سازنده و ابزاری تشویقی مورد توجه همگان است.

بدون شک هر فردی در هر مقام و منزلت علمی و اجتماعی که باشد این انتظار را دارد که در برابر کار پسندیده و کمکی که در حق دیگران انجام داده است از وی تشکر شود.

بسیاری از اوقات دیده شده است که ناسپاسی به معنای عدم تشکر از سوی مقابل معنا شده است. این مسأله احساسات و عواطف شخص را برانگیخته و مانع از انجام اعمال نیک و مفید به حال دیگران شده است؛ زیرا عدم ابراز تشکر و به عبارتی ناشکری به معنای ناسپاسی تعبیر شده است. از آنجا که خداوند متعال موجودی بی نیاز از پرستش و سپاس است ولی به عنوان وظیفه و تکلیف از انسان‌ها خواسته است تا شاکر و سپاسگزار باشند. از اینجا می‌توان پی برد که سپاس و شکرگزاری‌ها چه جایگاه و ارزش و اعتباری در آموزه‌های وحیانی و دینی داشته است.

وسعت معنایی شکر: شکر به معنای: تصور نعمت و آشکار کردن آن است. و در اصطلاح علم اخلاق، شکر را شناختن نعمت از منعم و شاد شدن به آن و صرف کردن آن در راهی که منعم به آن راضی و خشنود می‌شود، دانسته‌اند. از این تعریف، معلوم می‌گردد که شکر، یکی از برترین اعمال انسانی و دارای فضیلت بسیار است و از سه عنصر علم، حال و عمل تشکیل می‌شود که علمای اخلاق آن را به حقیقت شکر تعبیر کرده‌اند. به این معنا که شخص می‌بایست از نعمت و نعمت دهنده خویش آگاهی کامل داشته باشد و تحت تاثیر این علم و دانش به حالتی عاطفی و احساسی برسد که خضوع و خشوع در برابر نعمت دهنده نمونه‌ای از آن است. آنگاه در مقام عمل آنچه را احساس کرده نشان دهد و شکرگزار زبانی و عملی نعمت باشد. بنابر این در مسأله شکر، شناخت و علم از سویی و احساس و عاطفه از سوی دیگر و در رأس امور، رفتار و عمل انسان دخالت دارند؛ زیرا بدون شناخت نمی‌توان از ارزش نعمت و کاری که منعم انجام داده است، آگاه شد.

قرآن کریم و شاکران نعمت: در آیات بسیاری از قرآن به مسأله سپاس و شکر اشاره شده و از مردمان خواسته شده است که نسبت به نعمت و نیز نعمت دهنده شاکر باشند. قرآن با توجه به روحیات آدمی به این نکته اشاره می‌کند که آدمی نسبت به نعمت و نعمت دهنده شکرگزار نیست و به جای این که سپاس گزار نعمت دهنده باشد و یا کفران نعمت نکند، ناسپاسی می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ، ۳۴ / ۱۳)؛ «ای آل داود شکر [این همه نعمت را] به جا آورید، هرچند که شمار کمی از بندگان من شکرگزارند» و در سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ

إِنْ شَكَرْتُمْ وَأَمْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا» (النساء، ۱۴۷/۴)؛ «اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید چگونه ممکن است خداوند شما را مجازات کند؟! خداوند قدردان و آگاه است». و یا در سوره مبارکه فرقان می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْكَرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا» (الفرقان، ۶۲/۲۵)؛ «و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند».

و نیز در جایی دیگر می فرماید: «نشانه های خدا این است که باها را بشارت می فرستد تا شما را از رحمتش بچشانند و کشتی ها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید، شاید شکرگزاری کنید» (الروم، ۳۰ / ۶۴). و یا در سوره لقمان می فرماید: «ما به لقمان حکمت دادیم [و به او گفتیم] شکر خدا را به جای آور. هرکس شکرگزاری کند تنها به سود خویش شکر می کند و آن کس که کفران کند [زیانی به خدا نمی رساند] چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است» (لقمان، ۱۲/۳۱).

شکر عملی، برتر است: شکر نعمت به شکل عملی از ارزش و جایگاه برتری برخوردار است و انسان لازم است افزون بر شکر زبانی، به عمل نیز شکرگزار باشد. برخی گفته اند که تعبیر قرآن درباره مواهبی که به دودمان حضرت داوود (ع) داده شده و می فرماید: «ای آل داود شکرگزاری کنید». و به کار بردن واژه «اعْمَلُوا» در جمله: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا» (سبأ، ۱۳/۳۴)، نشان می دهد که شکر، بیشتر از مقوله عمل است و باید آن را در لابلاي اعمال انسان ارائه داد، و شاید به همین دلیل قرآن تعداد شکرگزاران واقعی را اندک شمرده است. در آیه سوره ملک بعد از آن که نعمت های بزرگی هم چون آفرینش گوش و چشم و دل را بر می شمرد اضافه می کند: «قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (الملك، ۲۳/۶۷)؛ «کمتر شکر او را به جا می آورید». و نیز در سوره نمل می فرماید: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»، (النمل، ۷۳/۲۷)؛ «بیشتر آنها شکرگزاری نمی کنند». اینها همه بیانگر آن است که شکر واقعی به معنای عمل است نه زبان و گفتار که از آن به تشکر خشک و خالی زبانی یاد می کنند. خداوند پس از فرمان به شکر، می فرماید: «اما عده کمی از بندگان من تشکر می کنند» (سبأ، ۱۳/۳۴).

بدیهی است که منظور از شکرگزاری تنها شکر با زبان باشد مسأله مشکلی نیست تا عاملان به آن قلیل بوده باشند، بلکه منظور شکر در عمل است، یعنی: استفاده از مواهب

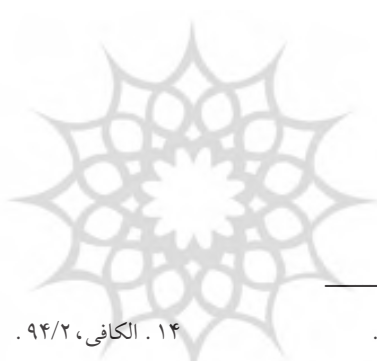
در مسیر همان اهدافی که به خاطر آن نعمت‌ها آفریده و اعطا شده‌اند. و مسلم است کسانی که مواهب الهی را عموماً در جای خود به کار می‌گیرند و به درستی از آن استفاده می‌کنند مردمان اندکی بیش نیستند.

شکر مجدد برای نعمت شکرگزاری: گاه گفته می‌شود: ادای حق شکر پروردگار از یک نظر بسیار مشکل است، زیرا همین که انسان در مقام شکر بر می‌آید و این توفیق نصیبش می‌گردد و وسائل شکرگزاری در اختیارش قرار می‌گیرد خود، نعمت تازه‌ای است که نیاز به شکر مجدد دارد و این موضوع به صورت تسلسل ادامه می‌یابد، و هر چه انسان تلاش بیشتر در طریق شکر او می‌کند مشمول نعمت افزونتری می‌گردد که قادر بر شکر آن نیست! ولی با توجه به اینکه یکی از طرق ادای حق شکر الهی همان اظهار عجز از ادای شکر اوست روشن می‌شود که قلیلی از بندگان پروردگار - همان گونه که قرآن بیان فرموده - به راستی در این مسیر قرار می‌گیرند.

در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: کسی پرسید آیا شکر پروردگار حدی دارد که اگر انسان به آن حد برسد شاکر محسوب شود؟ فرمود: «آری»، سوال کرد: چگونه؟ فرمود: «یحمدالله علی کلّ نعمه علیه فی أهل و مال، و إن کان فیما أنعم علیه فی ماله حق أداء؛ خدا را بر تمام نعمت‌هایش چه در خانواده و چه در اموال حمد و ستایش کند، و اگر در اموالی که به او داده‌حق باشد ادا نماید»^{۲۲}. در حدیث دیگری از همان امام (ع) می‌خوانیم: «شکر النعمه إجتنب المحارم؛ شکر نعمت، پرهیز از گناه است»^{۲۳}. و نیز در حدیث دیگری از آن حضرت (ع) آمده است که فرمود: «فیما أوحى الله عزوجل إلی موسى: یا موسى! أشکرنی حقّ شکری، فقال یا رب! و کیف أشکرک حقّ شکرک و لیس من شکر أشکرک به إلا و أنت أنعمت به علیّ؟ قال یا موسى! الآن شکرنتی حین علمت أنّ ذلک متّی!؛ خداوند متعال به موسی وحی کرد ای موسی! حق شکر مرا به جای آور، عرض کرد: چگونه حق شکر تو را به جا آورم در حالی که هر شکری به جا آورم به خاطر آن نعمت تازه‌ای که به من داده‌ای؟ فرمود: ای موسی الآن شکر مرا به جای آوردی، چون می‌دانی همین توفیق نیز از من است!». ^{۲۴}

قدردانی از واسطه‌های نعمت: توجه به این نکته نیز لازم است که تشکر و قدردانی از

کسانی که وسیله نعمتی برای انسان هستند نیز شعبه ای از شکر خداست، چنان که امام سجاده^(ع) می فرماید: «روز قیامت خداوند متعال به بعضی از بندگان می گوید: آیا شکر فلان کس را به جای آوردی عرض می کند: پروردگارا! من شکر تو را به جای آوردم، خداوند می فرماید: چون شکر او را به جای آوردی شکر مرا هم بجا نیاورده ای! سپس افزود: «أشکرکم لله اشکرکم للناس؛ شکرگزارترین شما در پیشگاه خدا کسی است که از نعمت ها و زحمات مردم بیشترین قدردانی و شکرگزاری را به عمل آورد». ۲۵



- | | |
|---------------------|---|
| ۱۴ . الکافی، ۹۴/۲ . | ۱ . اصول الکافی «مترجم»، ۳۰۱/۲ . |
| ۱۵ . همان/۹۷ . | ۲ . همان، ۲۸۹/۴ . |
| ۱۶ . همان/۹۸ . | ۳ . نهج البلاغه/خ ۱۱۳ . |
| ۱۷ . همان/۹۹ . | ۴ . همان/خ ۸۰ . |
| ۱۸ . همان/۹۵ . | ۵ . اصول الکافی «مترجم»، ۲۹۳/۴ . |
| ۱۹ . همان . | ۶ . عیون أخبار الرضا ^(ع) ، ۲۴/۲۵ . |
| ۲۰ . همان/۹۶ . | ۷ . اصول الکافی «مترجم»، ۳۰۳/۴ . |
| ۲۱ . همان/۹۸ . | ۸ . ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۱۰/۱۲-۱۳ . |
| ۲۲ . همان/۹۶ . | ۹ . مشکات الأنوار/۴۵ . |
| ۲۳ . همان/۹۵ . | ۱۰ . نهج البلاغه/حکمت ۲۳۶ . |
| ۲۴ . همان/۹۸ . | ۱۱ . اصول الکافی «مترجم»، ۱۴۹/۳ . |
| ۲۵ . همان/۹۹ . | ۱۲ . همان/۱۵۴ . |
| | ۱۳ . همان/۱۵۲ . |